



نگرش مثبت به دنیا

و نقش آن در تعلیم و تربیت انسان

از دیدگاه امام علی علیه السلام

دکتر محمدجواد لیاقتدار*

چکیده

• دنیا، واژه‌ای است آشنا که با زندگی ما عجین شده است و در عین حال مفهومی است که عمدتاً در نظر مردم مسلمان ما به مذمت از آن یاد شده است. هدف این مقاله ارائه یک بررسی تحلیلی مبتنی بر نهج البلاغه و کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیرامون "دنیا" است. وجه تسمیه عنوان این مقاله در واقع برگرفته شده از کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه دویست و چهاردهم، فراز سیزدهم است که فرمود: "ولنعم دار... دنیا چه جایگاه خوبی است". هدف عمده این مقاله این است که از زاویه‌ای مثبت به مفهوم دنیا نگرسته شود. مسلماً چنین نگرشی می‌تواند محرک، سازنده و رشد آور باشد و برعکس نگرشی منفی به دنیا می‌تواند مایه رخوت، سستی، بطالت، انزوا و افسردگی باشد. نگرش مثبت به دنیا باعث ایجاد انگیزه برای دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. در حالیکه نگرش منفی باعث دور شدن مسلمین از اینگونه فعالیتها می‌شود. روش کار مؤلف در ارائه تحلیل حاضر مبتنی بر بررسی نهج البلاغه فیض الاسلام اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها است و در این بررسی از منابع مربوط به نهج البلاغه و کلام علی علیه السلام از جمله بیست جلد شرح ابن ابی‌الحدید، پنج جلد شرح ابن‌میشم

بحرانی، قاموس قرآن، قاموس نهج البلاغه، هفت جلد غرر و درآمدهای استفاده شده است. علاوه بر این، جهت ارائه بررسی حاضر تجربه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می‌تواند بعنوان منبع دست اول مورد استفاده قرار گیرد. در طول این بررسی مباحثی از قبیل دنیای زیبا، علاقه به دنیا نشانه سلامت روانی، دو نگرش به دنیا در میان مسلمین و نهایتاً خصوصیات خوب دنیا مورد بحث قرار گرفته و در پایان چهار نکته اساسی بعنوان نتیجه‌گیری آمده است.

مقدمه

جعلنا فی السماء بروجا وزینها للناظرین^۱، ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح^۲ و زیبایی جذاب و دلپسند صفحه نیلگون آسمان را خاطر نشان نموده است (افلم یظنوا الی السماء فوقهم کیف بنینها وزینها^۳). تمامی موجودات زنده و غیرزنده دنیا و جهان طبیعت متشکل از چهار نوع جماد، نبات، حیوان و انسان است که قرآن کریم به همه این چهار نوع سوگند یاد کرده است. همه این سوگندها خود نشانگر اهمیت این چهار نوع که نمونه‌ای از مظاهر طبیعت و دنیا بحساب می‌آیند، می‌باشد. بعنوان نمونه قرآن کریم به خورشید و روشنائی آن^۴، به انجیر و زیتون^۵، به اسبان تندرو^۶ و به انسان و خلقت او^۷ سوگند یاد کرده است. از نظر قرآن هر آنچه در این دنیا وجود دارد به بهترین شکل

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نوع نگاه انسان به دنیا می‌تواند منجر به پیامدهای مثبت یا منفی شود. نگاه منفی و انزواطلبانه و پشت به دنیا نه تنها مورد تأکید مریبان بزرگوار نظام تعلیم و تربیت اسلام نبوده بلکه توسط معصومین علیهم السلام مورد مذمت نیز قرار گرفته است. این نوع نگاه می‌تواند منجر به اضطراب، سستی، تنبلی، عدم تحرک اجتماعی و نهایتاً عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً توسعه همه جانبه اجتماعی بشود. در این مقاله با تأکید بر سخنان امام علی علیه السلام جلوه‌هایی از نگاه مثبت به دنیا مطرح و ضمن تجزیه و تحلیل آن جلوه‌ها به ذکر پیامدهای مثبت آن پرداخته شده است.

دنیای زیبا

از نظر نظام تعلیم و تربیت اسلامی، دنیا و طبیعت نه تنها محل و جایگاه زشت، مکروه و مذموم نیستند بلکه بسیار زیبا و جذاب می‌باشند. قرآن کریم در آیاتی چند از جلوه و جمال ستارگان درخشان سخن گفته (و لقد

۱- سوره ۱۵، آیه ۱۶

۲- سوره ۶۷، آیه ۵

۳- سوره ۵۰، آیه ۷

۴- سوره ۹۱، آیه ۱

۵- سوره ۹۵، آیه ۱

۶- سوره ۱۰۰، آیه ۱

۷- سوره ۹۱، آیه ۵

از نظر مزولو (سیف، ۱۳۷۲) نیازها و احتیاجات اساسی انسان عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک (نیاز به خوردن، آشامیدن، خواب و استراحت، جنس مخالف و...) نیاز به امنیت، نیاز به تعلق و وابستگی، نیاز به محبت، نیاز به محبوبیت، احترام و عزت نفس و نهایتاً نیاز به خود شکوفائی است. حال اگر کسی مدعی شود که تأمین نیازهای فیزیولوژیک و تلاش در جهت تأمین آنها بد و مذموم است، تا حد می‌تواند منطقی باشد؟

چنین ادعایی را عاصم بن زیاد در زمان خلافت علی علیه السلام بطور عملی انجام داد و با این فرض که بهره برداری از امکانات دنیا مذموم است و ترک دنیا و گوشه نشینی امری اسلامی، پسندیده و مایه تقرب الهی است، خانه و خانواده را رها کرد و در بیابان گوشه عزلت گزید. امام علی علیه السلام در برخورد با چنین واقعه‌ای فرمودند: "ای دشمن خود، شیطان پلید ناپاک خواسته ترا سرگردان کند که به این راه ترا واداشته است و گوشه نشینی را در نظر تو آراسته کرده است!! آیا به زن و فرزند خود رحم نکردی که درویشی و تنهایی در پیش گرفتی؟ آیا باورت این است که خداوند برای تو پاکیزه‌ها را حلال کرده و کراهت دارد و

خود آفریده شده است (الذی احسن کل شیء خلقه^۱). شاید یکی از دلائل مباهات خداوند به خلقت زیبای دنیا این باشد که حسن زیبایی طلبی انسان را برانگیخته نماید (فلسفی، ۱۳۷۰). بعلاوه، تصریح قرآن بر اینکه "ما آسمانها و زمین و هر آنچه مابین آنها است را بازیچه نیافریدیم"^۲، احتمالاً ضمن هدفدار جلوه دادن آفرینش جهان، بخاطر آن بوده است که زمینه‌های کاوش و تحقیق و نیز بهره برداری و لذت جوئی از مظاهر طبیعت را برای انسان فراهم نماید. با توجه به مقدمه فوق الذکر، این سؤال مطرح می‌شود که آیا علاقه به دنیا و تلاش در جهت استفاده از امکانات آن جهت ارتقاء سطح رفاه و بهبود زندگی مادی خود و جامعه مذموم است؟

علاقه به دنیا نشانه سلامت روانی

در پاسخ باید خاطر نشان ساخت که از یکطرف دوست داشتن دنیا و مظاهر دنیا، امری نرمال، بدیهی، طبیعی، غریزی و فطری است. بدین معنا که علاقه بشر به دنیا چیزی نیست که در اثر تربیت، عادت و یا تلقین بوجود آمده باشد. و از طرف دیگر، نگارنده بر این اعتقاد است که دوست داشتن دنیا و میل به زندگی امری مثبت و نشانه سلامت روانی است. این نکته از سوی علم روانشناسی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس هرم نیازهای انسان

۱- سوره ۳۲، آیه ۷

۲- سوره ۲۱، آیه ۱۶

قمع نیستند بلکه ریاضت و مجاهدت با نفس باعث پس رانده شدن این نیازها به ضمیر ناخود آگاه شده و بعداً ممکن است بصورت خطرناک در جای دیگری بروز کنند و یا تولید بیماریهای عصبی و روحی نمایند. این بدان معناست که همانطور که مزلو (سیف، ۱۳۷۲) در تبیین انسان نرمال و نیازهای اساسی او معتقد است عدم تأمین هر کدام از سطوح نیازهای بشر، به ضرر انسان بوده و باعث خدشه دار شدن سلامت روانی متربی می شود. چه بسا افرادی که بیماری افسردگی پیدا کرده و از عوامل مؤثر و زمینه ساز آن می توانند از دست دادن زمینه های علاقه به دنیا و نیز بسترهای تلاش و تحرک باشد. این حالت می تواند گریبانگیر افراد سازنشسته، همسران بیوه، تاجران خسارت دیده یا ورشکسته و نیز مدیران، مجریان و سیاستمداران منزوی بشود. گرایش هر کدام از این افراد به ترک دنیا و زهد جهت امتناع و ارضاء خود در حالیکه نیازهای درونی آنان به نحو مطلوب تأمین نمی شود، هرگز نمی تواند از نظر دینی امری مقدس و

نمی خواهد که تو از آنها بهره مند گردی!!^۱ تو پست تری از آنکه خداوند نعمتی را به تو حلال کند و نخواهد که از آن بهره ببری. (یا عدی نفسه، لقد استهام بک الخیث، اما رحمت اهلک و ولدک؟ اتری الله احل لک الطیبات و هو یکره ان تاخذها؟ انت اهون علی الله من ذلک)^۲

امام علی علیه السلام خطاب به عاصم بن زیاد

علاوه بر علم روانشناسی، بر اساس اصل حکمت خداوند، وجود هر کدام از نیازهای انسان دلیل بر آن است که خداوند حکیم هدف و منظور خاصی از آفرینش آنها داشته است. مثلاً قرآن وجود نیاز به جنس مخالف و علاقه به همسر را یکی از نشانه های حکمت خود می داند (و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها، و جعل بینکم موده و رحمه، ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون)^۳. اگر این علایق نبود نسل بشر تداوم پیدا نمی کرد، زندگی و تمدن انسانی پیش نمی رفت، کسب و کار و تجارت و حرکت از جوامع بشری رخت بر می بست و نسل بشر در روی زمین باقی نمی ماند. شهید مطهری (۱۳۷۳) ضمن تأیید یافته های علم روانشناسی در این رابطه، تأکید دارد که همه غرائز و قوائی که در وجود آدمی نهاده شده است بخاطر ایجاد حرکت و کاری آفریده شده و نه تنها قابل قلع و

۱- اشاره به آیه ۳۲، سوره ۷. بگو چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از مصرف رزق حلال و پاکیزه ممانعت نموده؟ بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۰۰، ف ۳

۳- سوره ۳۰، آیه ۲۱

و نظام تربیتی اسلام به دنیا، نگرشی سازنده، رشد آور و تحرک بخش است. ذیلاً به برخی از این شواهد اشاره می شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام در تشریح خصوصیات فرد خردمند از نظر اسلام می فرماید: خردمند بلحاظ آینده نگری و عاقبت اندیشی، منفعت جو نیز هست. یعنی هر کاری که انجام می دهد بدنبال سود و منفعت خود نیز می باشد. بدین معنا که فرد خردمند بدنبال کاری که سود دنیوی و یا اخروی در بر نداشته باشد نمی رود. بطور مثال اگر خردمند به سفر نیز برود بدنبال اهداف سودجویانه است و کار بیهوده انجام نمی دهد: «لیس للعاقل ان یکون شاخصاً الا فی ثلاث: مره للمعاش، او خطوه فی معاد، او لذه فی غیر محرم، ح ۳۸۲»، عاقل به مسافرت نمی رود مگر برای سه هدف: امرار معاش و تحصیل ثروت، گام نهادن برای معاد از راه سفر حج و جهاد و...، و یا برای تفریح و کسب لذت از راه غیر حرام.

امام علی علیه السلام در تبیین اهمیت توجه به دنیا، کار و فعالیت اقتصادی می فرماید: خردمندترین مردم کسی است که در تنظیم مخارج زندگی اجتماعی و خانوادگی دقت کافی به خرج بدهد. (افضل الناس عقلاً احسنهم تقدیر المعاشه^۱). بعبارت دیگر هر چه برنامه ریزی افراد، ملت و جامعه برای تأمین

پسندیده شمرده شود. اینگونه افراد می توانند با کار و تلاش بیشتر و فراهم کردن زمینه های فعالیت، تلاش و مشغولیت علاوه بر آن که نیازهای درونی خود را تأمین نمایند از خطر افسردگی و تنهایی نیز رهائی یابند.

دو نگرش به دنیا

با توجه به آنچه تا کنون ذکر شد می توان ادعا کرد که در میان مسلمین دو نگرش نسبت به دنیا وجود دارد. نگرش درست که می تواند اثرات رشد آور و تحرک بخش هم در بعد فردی و هم در سطح جامعه داشته باشد همچنانکه نگرش غلط نسبت به دنیا می تواند اثرات مخرب و تخدیرکننده برای مردم در بر داشته باشد. این تفکر که هرگونه فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری، علمی، لذت جوئی، تفریح و... را دنیا پرستی تلقی کند، اثرات مخرب برای فرد و جامعه در بر دارد. رواج روحیه کسالت، افسردگی و بطالت، عدم رشد روحیه کار و تلاش و فقدان وجدان کاری در فعالیت های اجتماعی و نیز متوقف کردن فعالیت های اقتصادی و اجتماعی توسط برخی مردان و زنان پس از دهه چهل و پنجاه زندگی و محروم کردن کشور و جامعه از نیروی فعال خود همه و همه می تواند نمونه ای از این اثرات مخرب باشد. در مقابل شواهد زیادی وجود دارد که نشانگر آن است که نگرش سالم

رفاه مادی و زندگی دنیوی خود بهتر باشد، نشانگر رشد عقلانی و فرهنگی بیشتر است.

اینکه امام علیه السلام داشتن رشد اجتماعی را برای هر فرد لازم دانسته و آنرا نشانه نیمی از رشد عقلانی آدمی می‌داند (التوود نصف العقل^۱)، خود نشانگر اهمیت توجه به لوازم زندگی دنیوی از نظر امام علی علیه السلام می‌باشد. به فرموده امام خمینی (قدس سره)، عمده ابواب فقهی اسلام مربوط به ابعاد اجتماعی سیاسی اقتصادی است و شاید یک دهم آنها مربوط به بعد عبادی باشد.

اینکه یکی از اهداف غائی بعثت انبیاء برقراری قسط و عدل^۲ در جامعه است، اینکه تمامی انبیاء و ائمه معصومین در راستای برقراری قسط و عدل بدنبال تأسیس حکومت عدل الهی در زمین بوده و در این راه بعضاً همچون سلیمان پیامبر، پیامبر خاتم صلوات الله علیه و حضرت علی علیه السلام به موفقیت‌هایی دست یافتند، و همچنین اینکه شهادت تمامی ائمه معصومین و انبیاء عظام الهی بخاطر مبارزه با ظلم و جور برای برقراری قسط و عدل الهی بوده است همگی نشانگر اهمیت توجه دین و پیشوایان مذهبی به دنیا، زندگی دنیوی و لزوم برقراری رفاه اجتماعی برای جامعه بوده است.

تاکید زیاد و هشدار شدید امام علی علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنیفه در مورد مضرات اجتماعی فقر، خود از بهترین دلائل نشان

دهنده اهمیت توجه به دنیا و لزوم بهسازی زندگی دنیوی و رفاه اجتماعی است. (یا بنی انی اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله منه، فان الفقر مَنَصَة للدين، و مَدَهشَة لِّلْعَقْلِ و دَاعِيَه لِّلْمَقْتِ^۳). در این عبارت امام تأکید دارند که آثار زیانبار فقر می‌تواند دینی، روانی و اجتماعی باشد. فقر می‌تواند باعث کمبود در دین، حیرت و ترس درونی و نهایتاً بزهکاری شود.

اینکه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بیش از هر موضوع دیگر به مذمت دنیاپرستی پرداخته‌اند، هیچگونه منافاتی با شواهد فوق‌الذکر که دال بر لزوم توجه به دنیا است ندارد. علت مذمت دنیا توسط علی علیه السلام، یک علت سیاسی بود. توضیح آنکه در عصر علی علیه السلام و پس از رحلت پیامبر صلوات الله علیه دوران خلافت خلفاء مسلمین بدلیل فتوحات زیادی که در سطح منطقه و جهان بدست آورده بودند مال و ثروت عظیمی را به جهان اسلام سرازیر کردند. با تحصیل این ثروت توسط حکومت اسلامی این خطر وجود داشت که بجای آنکه به مصارف عموم برسد و عادلانه تقسیم شود، در اختیار شخصیت‌های دینی و سیاسی وقت و نیز اطرافیان و آشنایان آنها قرار گیرد. بعبارت

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۳۵، ف ۲

۲- سوره: ۵۷، آیه ۲۵

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۳۱۱

دیگر، خطری که علی علیه السلام احساس می‌کرد این بود که سرازیر شدن ثروت و سرمایه‌های عظیم مادی به سمت کسانی که تا دیروز فاقد هرگونه ثروت بودند، روح اخلاق اسلامی و انسانی را از کل چهره جامعه مسلمان برآید و متأسفانه این رخداد ناشایست اتفاق افتاد. با گذشت بیست سال از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمین و شخصیت‌های اسلامی به تحصیل ثروت‌های بی حساب بد عادت شده و خطر فساد اخلاقی جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد. به همین

دلیل علی علیه السلام در زمان خلافت خود در عین حالیکه عملاً توجه به برقراری عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح رفاه مردم، گسترش حکومت عدل اسلامی و توسعه عملی ابعاد اجتماعی اسلام داشتند که همگی اینها از شواهد لزوم توجه به امر دنیا می‌باشد، در عین حال شدیداً به مذمت دنیاپرستی و فریب خوردن از دنیا پرداختند. بنابراین فلسفه مذمت دنیا توسط علی علیه السلام یک دلیل سیاسی اجتماعی دارد که از نظر ایشان می‌توانست نه تنها اخلاق کارگزاران و ملت مسلمان را فاسد نماید، بلکه شیرازه کشور، نظم اجتماعی و روحیه کار و تلاش را از بین برده و روحیه تملق و چاپلوسی جهت نیل به مقام و اتصال به مراکز قدرت و بالتبع آن تحصیل ثروت را رواج دهد. پس در واقع دلیل عمده مذمت دنیا و سفارش به زهد در نهج البلاغه از سوی علی علیه السلام، یک دلیل

حکومتی بود و گرنه پذیرش خلافت و حکومت توسط علی علیه السلام و تلاش آن حضرت برای برقراری عدالت اجتماعی و دفع ظلم و زدودن فقر از جامعه خود نشانگر اهمیت توجه به امور دنیا و زندگی مردم در نظر آن حضرت بود. مشابه این امر را در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مشاهده کرده‌ایم. بارها مشاهده شده است که به مناسبت‌های زیادی تمامی شخصیت‌ها و مقامات لشکری و کشوری به حضور حضرت امام (قدس سره) رسیدند و مردم توقع شنیدن نصایح صرفاً سیاسی را داشتند. اما حضرت امام (قدس سره) مهمترین بخش سخنان خود را بر لزوم مراقبت از هوای نفس و تسلط بر هوای نفس قرار می‌دادند. مسلماً هر کس که تجربه انقلاب اسلامی ایران را لمس کرده باشد حضرت امام (قدس سره) را فردی تارک دنیا و ریاضت پیشه نمی‌شناسد بلکه ایشان را یک انقلابی بزرگ که باعث ایجاد تحولی نوین و عظیم در منطقه و جهان شده است می‌شناسد. و لذا سفارش حضرت امام (قدس سره) به لزوم مراقبت از هوای نفس بویژه توسط سیاسیون و مقامات عالیرتبه کشور، یک سفارش صرفاً اخلاقی و بی‌ارتباط با مسائل سیاسی - اجتماعی کشور نبوده است. بنابر این، آنچه علی علیه السلام مردم را از آن نهی می‌کرد، خطر "دنیازدگی" و "رفاه زدگی" بود و در زمان

درونی هر دو با هم در پیدایش یک رخداد و یک پدیده مؤثر می‌باشند.

اگر مسلمین و کشورهای اسلامی از قافله تمدن جدید بشر عقب مانده‌اند این فقط به دلیل سیاستهای استعماری و استثماراری قدرتهای بزرگ و شیطانی نیست بلکه بدلیل تحرك كم و رخوت و سستی مسلمین بوده است. هنر بزرگ امام امت (قدس سره) در هدایت نهضت اسلامی ایران همین بوده است که عمدتاً تکیه بر بیداری مردم مسلمان و ملت غیور ایران نمودند. تکیه بر عوامل درونی، تحرك، فعالیت، رشد و سازندگی را بدنبال دارد. بر عکس تکیه بر عوامل بیرونی نتیجه‌ای جز انفعال در بر ندارد. قرآن کریم همین معنا را اینگونه بیانی می‌دارد: (ان... لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم^۱). بنابراین این تقوای واقعی در نظام تربیتی اسلام تقوایی است که همراه با فعالیت و تلاش بوده و منجر به خدمت به مردم بشود نه تقوایی که همراه با انفعال و ریاضت و انزوا و گوشه‌نشینی بوده و منجر به کناره گرفتن از مردم و مذموم شمردن خدمت به مردم و انجام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشود. تقوای اسلام تقوای ستیز است نه تقوای پرهیز (مطهری، ۱۳۷۳). همچنانکه زهد واقعی در اسلام به معنای گوشه‌نشینی، ریاضت، انزوا، کم‌حرکی و عدم بهره و عدم

خلافت یکی از محورهای سیاستهای خود را مبارزه با این خطر قرار داد. بنابراین، با توجه به دو نگرش فوق‌الذکر، اکنون بجا است تا زاویه‌ای مثبت و نه منفی، روحیه‌ای فعال و نه منفعل، دیدگاهی ستیزگونه و نه پرهیزکارانه به دنیا بنگریم.

خصوصیات خوب دنیا

علی علیه السلام در پاسخ به کسی که دنیا را نکوهش می‌کرد، جملاتی را در ستایش دنیا و تشریح روشهای برخورد با دنیا بیان فرمودند. امام علیه السلام در فراز اول به تشریح روش برخورد با دنیا می‌پردازند و می‌فرمایند: ای کسی که از دنیا بد می‌گوئی! تو در حالی از دنیا بد می‌گوئی که به نیرنگ آن فریفته شده‌ای و فریب ناراستیهای آنرا می‌خوری. آیا منطقی است که خود فریب دنیا را بخوری و آنگاه دنیا را نکوهش بکنی؟! تو بر آن جرم و گناه می‌نهی یا دنیا بر تو جرم می‌نهد؟ (ایها الذام للدنیا المغتر بغرورها المنخدع باباطیلها! اتغر بالدنیا ثم تدمها؟! انت المتجرم علیها ام هی المتجرمه علیک؟!).

متأسفانه یکی از عاداتهای ناپسند بشر این است که در برخورد با رخدادها و پدیده‌های مختلف، از میان عوامل مؤثر در پیدایش آن رخدادها و پدیده‌ها ابتدا توجه به عوامل بیرونی دارد و از عوامل درونی غفلت می‌کند. در حالیکه هم عوامل بیرونی و هم عوامل

استفاده از مواهب خدادادی طبیعت نیست. زهد واقعی در اسلام به معنای برداشت کم از دنیا و بازده زیاد داشتن است. زهد حقیقی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به معنای فریب دنیا را نخوردن و برداشت از آن بمقدار تأمین نیازهای فردی و اجتماعی بمنظور فراهم شدن امکان خدمت به مردم می‌باشد. به همین دلیل گاهی لازم است در جهت نیل به این هدف (خدمت به مردم و برقراری عدالت اجتماعی) مبارزه با ظلم و جور حکومت‌های ستمگر را پیشه کرد. تلاش انبیاء و ائمه (س) برای تأسیس حکومت اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی و حتی روحیه شهادت طلبی آنان عین تقوی بوده است اما از نوع تقوای ستیز. منطوق شهید، منطق شهادت، منطقی انسان تلاشگر، مبارزه و ایثارگر است که برای تحقق آرمانهای والای انسانی (برقراری حکومت اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی، حفظ نظام جمهوری اسلامی و...) حتی از جان خود نیز می‌گذرد. پس منطق شهید نیز منطق دنیاگریز نیست بلکه منطق کسی است که قصد دارد با ایثار جان خود دنیائی خوب و سازنده و رشدآور برای مردم ایجاد نماید. این منطق در نهضت عاشورا و نهضت شکوهمند انقلاب اسلامی ایران کاملاً مشهود است.

در فراز دوم حکمت ۱۲۶ امام علی علیه السلام به تشریح این نکته می‌پردازند که دنیا به خودی

خود فریبکار نیست بلکه این انسان است که بدلیل نابخردی پندگیرنده نیست. در واقع در اینجا امام علیه السلام بر نا کارآمدی عوامل درونی و از جمله عقل و نیز فقدان رشد عقلانی کافی در بشر تأکید می‌روزند. (متی استحوطک ام متی غرتک؟ امصارع آبائک من البلی، ام بمضاجع امهاتک تحت الثری؟ کم علت بکفیک؟ و کم مرضت بیدیک؟ بتغی لهم الشفاء و تتوصف لهم الاطباء، غداه لا یعنی عنهم دواؤک، و لا بجدی علیهم بکاوؤک، لم ینفع احدهم اشفاقک، و لم تسعف فیه بطلبتک، و لم تدفع عنه بقوتک! و قد مثلت لک به الدنیا نفسک، و بمصرعه مصرعک^۱). از کجا و چه وقت دنیا ترا سرگردان نمود؟ یا چه وقت ترا فریب داد؟ آیا بجاهای بر خاک افتادن پدران و پوسیده شدن آنها یا به خوابگاههای مادرانت زیر خاک؟ چه بسیار با دستهای خود (برای بهبود درد بیماریانت) یاری نمودی، و چه بسیار با دستهایت (بیماران را) پرستار کردی؟ برای آنان بهبودی طلبیدی، و (پس از تشخیص و بدست آوردن درد) از پزشکان فایده دارو را پرسیدی؟ بامداد، داروی تو ایشان را بسی نیاز نمی‌کرد (و بهبودی نمی‌داد)، و گریه (رنج) تو بر آنان سود نداشت، و ترس تو هیچکدام از آنها را فایده نبخشید، و درباره او به خواسته خود (بهبودی او) نرسیدی و به توانائی خویش

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۲۶، فراز ۲

واقعی امت اسلامی مؤسس شکوه‌مندترین انقلاب تاریخ اسلام در قرن بیستم شدند و لکن همین امام بارها مورد مذمت و انتقاد قرار گرفتند که چرا در مسائل دنیوی دخالت می‌کنند^۱. نکته ظریف و مورد تاکید نگارنده آنکه همین امام با آنهمه فعالیت شبانه روزی و اهتمام به امور مسلمین که از یک زاویه همگی آنها فعالیت‌های دنیوی بحساب می‌آید در وصیت‌نامه خود می‌فرماید که "با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا"^۲ بسوی جایگاه ابدی سفر می‌کنند. بعبارت دیگر، اینگونه فعالیتها اگر با هدف رشد، تعالی و میل به کمال مطلق باشد هرگز باعث اضطراب متری و دور شدن او از خدا هنگام سفر به جایگاه ابدی نمی‌شود.

دنیا سرای توانگری است برای کسیکه از آن توشه بردارد (و دار غنی لمن تزود منها). دنیا می‌تواند جایگاه کسب ثمرات مادی و معنوی برای کسانی باشد که بخواهند. دنیا می‌تواند جایگاه نیل کشورها به رفاه اجتماعی و برقراری قسط و عدل باشد مشروط بر آنکه به نحو مطلوب و همانگونه که انبیاء عظام و ائمه معصومین (س) عمل کردند بسا آن برخورد

(بیماری و مرگ را) از او دور نساختی! و دنیا او را (که هر چند کوشش نمودی لکن از مرگ رهائی نیافت) برای تو سرمشق قرار داد، و هلاک شدن او را هلاک شدن تو (تابدانی با تو آن خواهد کرد که با او نمود).

در فراز سوم حکمت ۱۲۶، امام به ذکر خصوصیات خوب و مثبت دنیا می‌پردازند. امام در این فراز از ارزشهای مثبت دنیا برای مردم سخن می‌گوید:

دنیا سرای راستی است برای کسیکه (گفتار) آنرا باور دارد (ان الدنيا دار صدق لمن صدقها). کنایه از آنکه هر کس و هر جامعه‌ای در برخورد با دنیا حد و قدر و منزلت آنرا شناخت، و نیز وسائل و لوازم پیشرفت و تعالی و رشد را در آن شناخت می‌تواند دنیائی خوب و سازنده داشته باشد.

دنیا، سرای ایمنی است برای کسی که فهمید و آنچه را که خیر داد دریافت. (و دار عافیه لمن فهم عنها). سلامت، ایمنی و آرامش در همین دنیا بدست خواهد آمد مشروط بر آنکه دنیا را خوب بشناسیم و بطور مطلوب از آن استفاده کنیم. برخورد مطلوب با دنیا، مذمت آن، ترک آن، انزواطلبی و گوشه نشینی، ریاضت، پرهیز از ورود به مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیست. برخورد مطلوب با دنیا همان سیره‌ای است که انبیاء و ائمه (س) و همچنین امام امت (قدس سره) داشتند. امام امت زاهد

۱- جهت مطالعه بیشتر به پنج جلد سرگذشت‌های ویژه حضرت امام رجوع شود.

۲- وصیت‌نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی، صفحه آخر

شود. دین هرگز محدود به تنها ارتباط انسان با خدا نیست، بلکه شامل تمامی قوانین، آداب و راهکارهای برقراری یک سیستم عادلانه و انسانی حکومت جهت تأمین زندگی شرافتمندانه برای مردم می‌باشد.

دنیا سرای پند است برای کسیکه از آن پند گیرد. (و دار موعظه لمن اتعظ بها). از ویژگیهای فرد خردمند آن است که در برخورد با حوادث و رخدادهای تاریخی به دیده عبرت به آنها بنگرد. به فرمایش امام علی علیه السلام: "العاقل اذا نظر اعتبر"^۱. بعبارت دیگر از نشانه‌های رشد عقلانی آن است که انسان روحیه عبرت گرفتن او زیاد شود (من قوی عقله اکثر الاعتبار)^۲. عبرت گرفتن‌ها برای انسان حکم تجربه را دارد. تجربه وقتی معنا پیدا می‌کند که باعث پند و اندرز و عبرت انسان شود و گر نه حوادثی که منجر به بیداری انسان نشود چه اتفاق بیفتند و چه نیفتد برای او فرقی نمی‌کند. لذا امام علیه السلام به فرزند خویش می‌فرماید: "نشانه رشد عقلانی حفظ تجربه‌ها است و بهترین تجربه‌ها آن است که باعث وعظ و اندرز تو بشود"^۳.

دنیا محلی است که شایستگی نزول وحی، پیغام و کلام خدا را پیدا کرد (و مهبط وحی الله). امام علی علیه السلام در سه عبارت فوق‌الذکر بروشنی از منزلت و قداست دنیا سخن می‌گوید.

دنیا محل تجارت و یا بازرگانی دوستان خداست (و متحجر اولیاء الله). دوستان خدا، دوستاناران کمال مطلقند. و کمال مطلق مجموعه‌ای است از کمالات مطلق متعدد که همگی در صفات و اسامی خداوند تجلی پیدا کردند. بنابراین اگر انسان در روی زمین و در طول زندگی دنیوی خود همواره بدنبال نیل به علم مطلق، قدرت مطلق، زیبایی مطلق، مهربانی مطلق، عیب پوشی مطلق، ظرافت و محکم کاری مطلق و... باشد و در این راه حرکت نماید، در واقع در مسیر کمال گام بر می‌دارد. بر این اساس، دانشمندان و دانشجویان علوم پایه، علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم پزشکی همانگونه که در مسیر نیل به علم مطلق حرکت می‌کنند اگر هدفشان خدمت به مردم و نیل به خودکفائی کشور باشد در واقع کاری الهی و انسانی انجام داده‌اند. تجارت الهی فقط محدود در انجام اعمال ظاهری دینی از جمله نماز و روزه نیست. تجارت الهی بمعنای مغتنم شمردن فرصت عمر و زندگی خدادادی است. بنظر نگارنده دو مفهوم در واژه تجارت متر است. اولین مفهوم، غنیمت شمردن فرصتها است و گر نه غبن و حسرت بدنبال دارد. همانطور که فرد تاجر و بازرگان در حرفه

۱-غرور درآمدی، ج ۲، ص ۵۵، ش ۱۸۱۳

۲-غرور درآمدی، ج ۵، ص ۲۶۹، ش ۸۳۰۳

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، ن ۳۱، ف ۵۱

خود باید توجه به فرصتها جهت خرید بموقع و فروش بموقع داشته باشد، متربی و انسان در طول زندگی خود در برخورد با حوادث و پدیده‌های مختلف باید روحیه تاجرگونه نیز داشته باشد و همانطور که قبلاً هم اشاره شد بدنبال تأمین منافع خود نیز باشد. مفهوم دوم مستتر در واژه تجارت، شجاعت و شهامت است. تاجر بزدل هرگز کامیاب نمی‌شود. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، انسان متقی، انسان شجاعی است که ابتدا بر "نفس" و بر "خود" مسلط می‌شود و بالتبع آن بر دنیا مسلط می‌شود. اینگونه انسانها هستند که همچون حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و امام امت (قدس سره) امکان حاکمیت بر مردم و کشور را نیز پیدا می‌کنند. این بدان معناست که حاکمیت بر مردم و اداره حکومت یک جامعه و بلکه اداره کل دنیا برای کسیکه ابتدائاً بر خود و نفس خود مسلط شده است، در مقام مقایسه، هیچ است. بعبارت دیگر فرد متقی حقیقی که ابتدائاً بر خود و نفس خود ستیز کرده و بر آن غالب شده است، از ورود به مسائل دنیوی، حکومتی، سیاسی، اقتصادی و بطور کلی مسائل اجتماعی ترس بخود راه نمی‌دهد، مثل انسان شجاع می‌ماند که ابتدا خود را واکنیسه نموده و مصون می‌سازد و سپس جهت نجات بیماران می‌شتابد. لکن پزشک منفعل کسی است که از ترس آلوده شدن به

بیماری، وارد صحنه نشده و به کمک بیماران آلوده نمی‌رود. حضرت امام (قدس سره) و پیشوایان دین، همانند طیبی بوده‌اند که همه هدفشان نجات مردم از بیماری ظلم، بی‌عدالتی، فساد اخلاق و... بوده است.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: لا تجاره کالعمل الصالح و لا ربح کالثواب^۱. هیچ تجارتی بهتر از عمل صالح نیست و هیچ سود و منفعت بهتر از ثواب نیست. عمل صالح برای افراد مختلف، مصادیق متفاوتی دارد. برای یک معلم و استاد عمل صالح خوب تدریس کردن است کما اینکه عمل صالح برای یک شهردار انجام خدمات خوب شهرداری برای مردم آن شهر است. ابن میثم بحرانی در ذیل حکمت فوق می‌نویسد: ارزش هر تجارت به سود و ثمره آن است و لذا هر چه سود بیشتر و بهتر باشد آن تجارت ارزشمندتر است و چون متقین و خردمندان در برخورد با دنیا از طریق کار و تلاش به ثواب الهی نائل می‌شوند لذا آن تجارت ارزشمند است^۲. ابن ابی‌الحدید معتزلی در ذیل حکمت فوق می‌نویسد: اینکه اشرف تجارتها و بهترین بازرگانی عمل صالح است به فرمایش قرآن حکیم برمی‌گردد (هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب علیم^۳) و

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۱۰۹، ف ۸ و ۹

۲- شرح ابن میثم بحرانی، ج ۵، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

۳- قرآن کریم، سوره ۶۱، آیه ۱۰

تحقیقاتی، هنری و...) بهره‌مند می‌شوند. بنابراین این آنچه که مهم است نحوه نگرش و برخورد انسان با دنیا و امور دنیا است یعنی همان نکته‌ای که امام علی علیه السلام در فرمایش حکمت ۱۲۶ خود می‌فرماید.

بعلاوه امام علی علیه السلام در نامه خود به محمد بن ابی‌بکر فرزند خوانده خود در تشریح خصوصیات متقین و برخورد خردمندانه متقین با دنیا و بهره‌وری از لذات آن و در عین حال استفاده از آن در جهت نیل به مقصود جملات زیبا و جالبی دارند. ایشان می‌فرمایند: "و اعملوا عباد الله - ان المتقین ذهبوا بعاجل الدنيا و اجل الآخرة، فشاركوا اهل الدنيا فی دنیاهم، و لم یشاركهم اهل الدنيا فی آخرتهم، سکنتوا الدنيا بافضل ما سکنت و اكلوها بافضل ما اكلت فحفظوا من الدنيا بما حظی به المترفون و اخذوا منها ما اخذه الجبابرة المتکبرون".^۱ ای بندگان خدا بدانید که متقین هم سود دنیای فانی و هم سود آخرت را بردند پس با اهل دنیا در سود دنیایشان شریک شدند و اهل دنیا در سود آخرت آنها شریک نگشتند. متقین در دنیا در

بعد از آن قرآن کریم یک سری اعمال صالح را بر می‌شمارد.^۱ تأمل در واژه ثواب نیز می‌تواند حاوی نکات قابل توجه باشد. ثواب از ریشه ثوب می‌باشد. ثوب همانطور که راغب اصفهانی در کتاب مفردات گفته است به معنای رجوع شیء به حالت اولی یا به حالتی که از ابتدا برای آن در نظر گرفته شده است، می‌باشد. (ثاب فلان الی اداره: یعنی فلانی به خانه خود برگشت. لباس را هم ثوب گویند زیرا که بافته شده و به حالتیکه مورد نظر بود رجوع کرده است چرا که در ابتدا هدف از بافتن پارچه تهیه لباس بود.^۲ با توجه به این مقدمه، جزای عمل را قرآن کریم ثواب می‌خواند زیرا که به خود عامل و انجام دهنده کار برمی‌گردد. و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً^۳؛ و الله عنده حسن الثواب^۴). نکته ظریف و لطیف در اینجا آن است که واضح و روشن است عمل مجسم شده به خود عامل و انجام دهنده کار برمی‌گردد. یعنی همان معنای برگشت و رجوع شیء به محل خود و مبدأ خود می‌باشد.^۵ بنابراین سود انجام عمل صالح و کارهای سودمند از سوی مردم متقی و خردمند در دنیا در واقع به خودشان برمی‌گردد، زیرا که کارهای عام المنفعه آنها ناشی از هدف و نیت پاک انسانی یا الهی بوده است، در عین حالی که مردم نیز از نتایج اعمال آنها (اعم از خدمات اقتصادی، سیاسی، آموزشی، علمی،

۱- شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی، ج ۱۸، ص ۲۷۷

۲- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۲۱ و ۳۲۲

۳- قرآن کریم، سوره ۱۸، آیه ۴۶

۴- قرآن کریم، سوره ۳، آیه ۱۹۵

۵- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۳

۶- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۷، ف ۳

ادامه نامه امام علیه السلام به تشریح چگونگی تجارب متقین می‌پردازند. ابن میثم بحرانی در ذیل همین عبارت می‌نویسد: منظور از "الزاد المبلغ" همان تقوی است چنانکه قرآن می‌فرماید (خیر الزاد التقوی^۲) و منظور از تجارب سوددهنده همان تقوی است چرا که غایت و نهایت آن، کسب ثواب الهی است^۳. تعمد امام علی علیه السلام در استفاده از واژه تجارت و ربح خود انگیزشی است جهت القاء نگرشی مثبت نسبت به دنیا توسط مسلمین. علاوه بر این، آن حضرت در اولین خطبه نهج البلاغه می‌فرماید: یحرزون الارباح فی متجر عبادته. آنها سود و ربح را به چنگ می‌آورند در تجارت‌تگاه عبادت^۴.

دنیا محلی است که بندگان متقی و خردمند خدا در آن رحمت و فضل خدا را بدست آورده و نتیجه کار و تلاش آنها بهشت است. (اکتسبوا فیها الرحمه و ربحوا فیها الجنه). نتیجه نگرش مثبت به دنیا آن است که انسان می‌تواند از تمامی مواهب جهان طبیعت بعنوان مظاهر رحمت و فضل پروردگار بهره برده و زمینه‌های رشد و کسب سعادت دنیوی و اخروی خود را فراهم نماید.

با توجه به توضیحات فوق‌الذکر معلوم شود

بهترین منزل جای گرفتند و نیکوترین خوردنی را خوردند. (این می‌تواند به دو تعبیر باشد: ۱. همانند دنیاپرستان برای مسکن گزیدن رنج نبرده و برای خوردن به سختی نیفتادند و لذا هر جا سکنی گزیدند بهترین جا و هر چه خوردند نیکوترین خوردنی بود. ۲. در اثر تلاش و جهاد قادر به تأسیس حکومت و برقراری عدالت اجتماعی و توسعه رفاه اجتماعی در جامعه شده و لذا از مسکن و رفاه مناسب برخوردار شدند. هر دو این تعابیر با مفهوم زهد واقعی در اسلام منافات ندارد). پس از دنیا بهره‌ای بودند که خوشگذران بردند و کامی گرفتند که گردنکشان گرفتند. "بدین معنا که متقین با برخوردی عقلانی با دنیا و نگرشی مثبت به آن، از راه حلال به دارائیهها و نعمت رفاه دست یافته و بر طبق دستورات دینی آنها را مصرف نموده و با سرمایه‌گذاری دارائیههای خود در مسیر ارائه خدمات عمومی به مردم، آخرت خود را نیز آباد نمودند، در حالیکه کمال لذت و خوشی دنیا را نیز بدست آوردند. امام علی علیه السلام در ادامه نامه می‌فرماید: ثم انقلبوا عنها بالزاد المبلغ و المتجر الربح^۱. متقین در حالی از دنیا رفتند که توشه‌ای داشتند که آنانرا به مقصد می‌رساند و با تجارت و سوداگری که آنان را به سود سعادت می‌رساند رحلت نمودند. کاربرد واژه سود برای نیل به سعادت توسط حضرت علی علیه السلام قابل توجه است. در

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۷، ف ۴

۲- قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۲۹۲

۳- شرح ابن میثم بحرانی، ج ۵، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

۴- نهج البلاغه فیض الاسلام، ط ۲۸، ف ۲

امه^۴). شارح معتزلی در توضیح حکمت ۱۲۶ نهج البلاغه فیض الاسلام ضمن بیان فرمایش فوق از امام علیه السلام به ذکر این بیت زیبا نیز می‌پردازند:

و نحن بنو الدنيا خلقنا لغيرها

و ما کنت منه، فهو شیء محجب
«ما فرزندان دنیا هستیم و برای غیر آن آفریده شدیم لکن آنچه را که اصل تو از آن است چیز محبوبی است». آنچه که در نظام تربیتی اسلام بد و مذموم است بسته بودن و اسیر تمایلات و امور مادی بودن یا "دنیاپرستی" است. علت نهی از آن نیز این است که نتیجه‌ای جز سکون، توقف، نیستی و عدم رشد واقعی ندارد. بعبارت دیگر، دنیا با تمام بزرگی و زیبایی آن بدلیل مادی بودن و محدود بودن آن در مقایسه با انسان که موجودی مادی و معنوی است، اگر بعنوان هدف و غایت مطلوب قرار گیرد مانع رشد و تکامل تربیتی می‌شود زیرا که هدف یعنی قرارگاه (یعنی جائیکه انسان در آنجا آرام گرفته و متوقف می‌شود) و نیل به اهداف مادی بدون پشتوانه معنوی، مانع رشد و ترقی طلبی می‌باشند.

که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، نسبت انسان با دنیا و رابطه آدمی با جهان از نوع رابطه میان یک زندانی و زندان یا فرد در چاه افتاده و چاه نیست، بلکه همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، رابطه انسان با دنیا از نوع رابطه میان کشاورز با مزرعه است. هیچ کشاورزی بدون کار و جهات و تلاش نمی‌تواند میوه و یا محصول درو کند. اصل کلی مستتر در فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله تا کید بر عوامل درونی و کار و تلاش و فعالیت خود متربی است. این اصل در فرازهای مختلف نهج البلاغه با تعابیر گوناگون آمده است.

رابطه انسان با جهان از نوع رابطه اسب دونده با میدان مسابقه (الا وان الیوم المصمار و غداً السباق^۱)، رابطه میان تاجر و تجارت^۲، رابطه میان عابد و معبد^۳ است و بطور کلی دنیا از دیدگاه امام علی علیه السلام مدرسه انسان سازی و محل تربیت انسان و جایگاه رشد و تکامل انسان بحساب می‌آید. بهمین دلیل است که امام علیه السلام دنیا را بهترین مکان جهت رشد و تکامل معرفی می‌فرمایند: (و لنعم دار).
خلاصه آنکه:

۱- علاقه به دنیا و امور مادی و ارتباط عاطفی داشتن با آن نه تنها بد نیست بلکه یک امر فطری و طبیعی است. به فرمایش امام علی علیه السلام:
مردم فرزند دنیا هستند و هرگز کسی را بخاطر دوست داشتن مادر خود ملامت نمی‌کنند (الناس ابناء الدنيا ولا یلام المرء علی حب

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ط ۲۸، ف ۲

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ح ۱۲۶، ف ۳

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، ح ۱۲۶، ف ۳

۴- شرح ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۸، ص ۳۲۷

۲- هدف نظام تربیتی اسلام و نهج البلاغه از مذمت دنیا، هرگز بخاطر بی اعتبار کردن ارزشهای مثبت و خوب جهان و دنیا نیست بلکه بخاطر احیای ارزشهای انسان است. عبارت دیگر آنجا که علی علیه السلام از زهد و تقوی و لزوم پرهیز از دنیا سخن می گوید ارزش دنیا را پایین نیاورده است بلکه ارزش انسان را بالا برده است. این یک نکته ظریف و مهم است که نیازمند دقت و توجه خاص است. لذا امام علی علیه السلام می فرمایند: بدترین تجارت این است که شخصیت خود را با جهان و دنیا برابر کنی و برای همه جهان ارزش مساوی با انسانیت خویش قائل شوی (و لبس التمجران تری الدنيا لنفسك ثمناً). در این عبارت امام علیه السلام در واقع ارزش انسانی انسان را بالا برده است بخاطر ارزش ذاتی که انسان دارد نه بخاطر حقارت و کوچکی و بی اعتبار بودن دنیا.

۳- در تجارت الهی، امکان برخوردار شدن از دنیا و آخرت وجود دارد. در نظام تربیتی اسلام جمع بین دنیا و آخرت از نظر برخوردار شدن ممکن است لکن جمع آنها از نظر ایده آل بودن و هدف نهائی قرار گرفتن ممکن نیست. در نظام تربیتی اسلام و بر اساس منطق نهج البلاغه، برخوردار شدن از دنیا مستلزم محرومیت از آخرت نیست. در کلام علی علیه السلام برخوردار شدن از یک زندگی مرفه و متمتع به نعمتهای پاکیزه و حلال خدا باعث محرومیت

در آخرت نمی شود همانطور که تقوی و عمل صالح و ذخیره اخروی داشتن باعث محرومیت از مواهب طبیعی و لذات دنیا نمی شود. امام علی علیه السلام این مطلب را به زیبایی در حکمت ۲۶۱ بیان فرمودند: "مردم در دنیا از نظر عمل و هدف دو گونه اند: یکی فقط برای دنیا کار می کند و هدفی ماورای امور مادی ندارد. سرگرمی به امور مادی و دنیوی او را از توجه به آخرت باز داشته است، چون غیر از دنیا چیزی نمی فهمد و نمی شناسد، همواره نگران آینده بازماندگان است که چگونه آنان را برای بعد از خودش تأمین کند اما هرگز نگران روزهای سختی که خودش در پیش دارد نیست، لذا عمرش در منفعت بازماندگانش فانی می گذرد. یک نفر دیگر، آخرت را هدف قرار می دهد و تمام کارهایش برای آن هدف است اما دنیا خود بخود و بدون آنکه کاری برای آن و بخاطر آن صورت گرفته باشد به او روی می آورد، نتیجه این است که بهره دنیا و آخرت را توأمأ احراز می کند و مالک هر دو خانه می گردد، چنین کسی صبح می کند در حالیکه آبرومند نزد پروردگار است و هر چه از خدا بخواهد به او عطا می کند. الناس فی الدنيا عاملان: عامل فی الدنيا للدنيا، قد شغلته دنياه عن آخرته، یخشی علی من یخلقه، و یا منه علی نفسه، فیفنی عمره فی منفعه غیره، و عامل عمل فی الدنيا لما بعدها

فجاء الذی له من الدنیا بغیر عمل، فاحرز الحظین معاً، و ملک الدارین جمیعاً فاصبح وجیها عند الله لا یسأل الله حاجه فیمنعه^۱.

۴- در برخورد با این دنیای خوب از یک طرف، همواره باید امیدوار و در حال کار، تلاش و فعالیت بوده و هرگز به بهانه فانی شدن و فانی بودن دست از کار و تلاش برنداریم اما از طرف دیگر، در ضمن کار و جهاد و فعالیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نباید ارزشهای انسانی و الهی را خدشه دار کرد و زمینه های آلوده شدن به گناه و حقارت و پستی نفس را فراهم کنیم. این معنا به زیبایی در کلام فرزند ارشد امام علی علیه السلام آمده است: کن لدینک کانک تعیش ابدًا و کن لآخرتک کانک تموت غدًا. برای دنیایت چنان باش که گوئی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گوئی فردا می میری. این یکی از لطیف ترین احادیث معصومین در زمینه دعوت مردم به کار و تلاش و پرهیز از بطالت، کسالت و بی قیدی در کارهای دنیوی و اخروی است.

اینها همه نمونه هایی از نگاه مثبت، فعال، سازنده و امیدوار پیشوایان دینی به دنیا است. این نگاه باعث شاداب شدن محیط خانواده، پرنشاط شدن زندگی یک جامعه، تحرک و بالندگی یک ملت، و در نهایت حرکت به سمت کمال، پیشرفت و سازندگی می شود.

نگرش مثبت به دنیا و اقبال به زیباییهای آن از عوامل مهم و مؤثر در بهداشت روانی، تحرک اجتماعی، فعالیتهای اقتصادی و نهایتاً توسعه کشور می باشد. داشتن چنین نگاهی به دنیا، به ویژه با تأسی از سیره معصومین

بنابراین در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نگاه متربی به دنیا نگاهی مثبت، امیدوار، فعال و سازنده است. بعبارت دیگر، نظام تربیتی به متربی خود آموزش می دهد که در برخورد با مسائل دنیوی به گونه ای رفتار نماید که گوئی همیشه در این جهان خواهد بود. بهمین دلیل است که ابوریحان بیرونی حتی در لحظات

علیهم السلام، خود جلوه‌ای است از آموزه‌های نظام تعلیم و تربیت اسلام و شیوه آموزش و پرورش بزرگواران دین نسبت به متریان خود می‌باشد.

منابع

۹. لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر روشهای تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ج ۱ و ۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس

۱۰. محدث، سید جلال‌الدین (۱۳۶۶). غرر و درآمدهای، ج ۷-۱، تهران: انتشار دانشگاه تهران

۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). بیست گفتار،

تهران: دفتر انتشارات اسلامی

۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). ده گفتار، تهران:

دفتر انتشارات اسلامی

۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت

اسلامی، چاپ سی و چهارم، تهران: انتشارات صدرا

۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). سیری در

نهج البلاغه، چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات صدرا

۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). فلسفه در اخلاق،

چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات صدرا

۱۶. فیض الاسلام، علینقی (۱۳۵۱). ترجمه و

شرح نهج البلاغه، مجلد ۱-۶

۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۸).

صحیفه انقلاب: وصیت نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر

انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیه الله العظمی امام خمینی قدس سره. تهران:

مؤلف

۱. دشتی، محمد - محمدی، کاظم (۱۳۶۴)

المعجم المفهرس لا لفاظ نهج البلاغه، قم: مؤسسه نشر اسلامی

۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۶۸). روانشناسی

پرورشی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱-۲۰، ابن ابی‌الحدید

معتزلی

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۸ و ج ۱۸، ابن‌میثم

بحرانی

۵. فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۰). جوان از نظر عقل

و احساسات ج ۱، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی

۶. الشرفی، محمدعلی (۱۳۶۶). قاموس

نهج البلاغه، جلد ۳-۱، از حرف الف - خ. تهران:

دارالکتب الاسلامیه.

۷. قرآن کریم

۸. قریشی، علی‌اکبر (۱۳۵۴). قاموس قرآن،

جلد ۷-۱. تهران دارالکتب اسلامی